

امنیت ملی، آرشیو ملی ایالات متحده گزارش‌های سازمان سیا و سفارت امریکا در تهران و دیگر منابع اطلاعاتی و دیپلماتیک استفاده کرده است و علاوه بر این به خاطرات و نوشته‌های طیف وسیعی از نخبگان عصر پهلوی، شاه و خود هویدا نیز ارجاع داده است.

علاوه بر این با حدود صد و سی نفر نیز مصاحبه‌هایی انجام داده است. میلانی می‌گوید که در تصمیم‌گیری در مورد آن که با چه کسانی گفتگو کند - و احتمالاً چه نوع اسنادی را مورد استفاده قرار دهد «هیچکسی را صرفاً به لحاظ سوابق سیاسی‌اش - چه در تثبیت رژیم شاه، چه - در مبارزه علیه آن - حذف نکردم»^{۱۷} البته فقط بخش دوم این مقوله تا حدودی صحیح است. زیرا در کتاب مورد بحث فقط حذف نکردن آنهایی که در تثبیت رژیم شاه نقشی داشتند را نصب‌العین قرار گرفته است و به صورتی منظم و روشمند هر گونه بررسی تحقیقی و داده مستند یا مصاحبه شخصی‌ای را که به نوعی مبین نقد جدی هویدا است از نظر دور نگهداشته است.

تعدادی از این منابع به ناچار مورد توجه قرار گرفته‌اند. از آن جمله است ملاقات هویدا در سال ۱۳۵۴ با روشنفکران مخالف (پیش‌تر به این موضوع خواهیم رسید) و همچنین ملاقات با نویسنده و فیلم‌ساز چپ‌گرا، ابراهیم گلستان نیز در پایان فصل دوازدهم، آن هم در ارتباطی ستیزه جویانه با هویدا، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اتهام اصلی علیه هویدا آن است که بر رژیم نظارت و مدیریت می‌کرد که به طور مستمر افراد را به دلیل فعالیت‌های سیاسی‌شان، به زندان می‌انداخت، شکنجه می‌کرد و می‌کشت.

از این رو از یک زندگی‌نامه نویس بی‌طرف انتظار می‌رفت که دست کم شهادت تعدادی از زندانیان سیاسی دوران پهلوی را نیز مورد توجه قرار دهد. بسیاری از این افراد خاطرات خود را منتشر کرده‌اند و تعداد زیادی‌شان را نیز می‌توان در اروپا و آمریکا یافت و مسلماً آماده نیز بودند که نظر انتقادی خویش درباره هویدا را در مصاحبه‌ای بازگو کنند.^{۱۸} اما میلانی مصمم شده بود که از این نظرات بگذرد و کار خود را بر منابعی که مشخصاً جانب هویدا را داشتند استوار کند. کسانی که از همه بیشتر مورد رجوع بوده‌اند، عبارتند از برادر هویدا، فریدون، همسر سابق‌اش لیلا امامی، منشی و پزشک هویدا.

علاوه بر این، شیوه استفاده میلانی از منابع نیز از اعتبار کتاب می‌کاهد. میلانی مدعی می‌شود که «از اوان کار اصل را بر این گذاشتم که هیچ حرف مهمی را، بدون تایید آن از سوی منبع مستقل دومی در کتاب نقل نکنم.» اما در پانوشت‌ها اثری از منبع ثانوی نیست و توضیح میلانی آن است که یادآوری منابع ثانوی باعث طولانی شدن پانوشت‌ها می‌شد. در واقع، میلانی فقط به ما اطمینان داده که او خود از اعتبار تمامی منابع و روایت‌هایی را که ما نمی‌توانیم مورد ارزیابی قرار دهیم، اطمینان